جایزه معماری آسیا به روایت احمد زهادی

ایران اتاق فکر معماری آسیا می‌شود



افسانه شفیعی

سال ۲۰۱۵ برای جامعه معماران نقطه عطفی در تاریخ معماری معاصر ایران خواهد بود. شرکت در سومین رویداد فرهنگی جهان و حضور در اکسپوی ۲۰۱۵ میلان و همچنین حضور در بی‌ینال هنر و با موضوع هنرهای تجسمی، دو رویداد مهم برای جامعه معماران محسوب می‌شود. حال اینکه شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی چه دستاوردی می‌تواند برای ایران به‌دنبال داشته باشد، موضوعی است که در آینده، آثار و نتایج خود را نشان خواهد داد. برگزاری جایزه‌ها و نمایشگاه‌های معماری در سطح جهانی و شرکت در جایزه بین‌المللی پیش از هرچیز آهنگ زمزمه‌هایی تازه است. گویی جامعه معماران ایران در خود پتانسیلی می‌بیند که میل دارد آن را به جهان عرضه کند و یک‌بار دیگر جایگاه ازدست‌رفته خود را به دست آورد. بر هیچ‌کس پوشیده نیست معماری گذشته ایران با ارزش‌ها و اصول پایدار خود، توانسته به جایگاه والایی دست یابد و مخاطبان خود را شگفت‌زده کند، اما در سال‌های اخیر و با ورود به دنیای مدرن، معماری ایران با خیره‌شدن به دستاوردهای غربی، راهی متفاوت در پیش گرفت و تن به تقلید داد. معمار امروزی در پی راهی است تا سنت دیرینه خود را در نیازهای امروز جست‌وجو کند و اصالت ازکف‌رفته را بازگرداند. برگزاری مسابقات جهانی و آسیایی می‌تواند همان مسیری باشد که نه‌تنها با تازه‌ترین دستاوردهای علمی دنیا آشنا شویم، بلکه هویت و خلاقیت خود را نیز به دنیا بشناسانیم. هر چند بازار ساخت‌وسازهای بی‌رویه به‌کار خود مشغول است و شهرها را با ساختمان‌های بی‌هویت و خنثایی که نه یادی از گذشته دارند و نه نشانی از آینده، اشباع کرده‌اند، اما اندک معمارانی که چشم به آینده دوخته‌اند تلاش دارند با تلنگرهایی هر چند کوچک، از سرعت آن بکاهند. از این منظر، جایزه‌های ملی و بین‌المللی و آسیایی می‌تواند سلیقه متفاوتی ایجاد کرده و مسیرهای تازه‌ای پیش‌رو بگشاید. جایزه معماری آسیا نیز گام کوچکی است برای دیده‌شدن. دیده‌شدن اقلیتی که امید دارد با حضور خود در عرصه‌های بین‌الملل بازار کج‌سلیقگی را دگرگون کند. دراین‌باره با احمد زهادی، سردبیر و مدیرمسئول مجله معماری و ساختمان و مجله بین‌المللی 2A و برگزارکننده جایزه معماری آسیا، گفت‌وگویی کردیم که در زیر می‌خوانید.



عکس: رؤفه رستمی، شرق

◣ جایزه معماری آسیا چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

از گذشته تاکنون شرایط جغرافیایی، باورها و درک اجتماعی، تاریخ و گروه‌های نژادی به‌عنوان بخش حائز اهمیت در تقسیم‌بندی هویت فرهنگی بوده و هست. واضح است در معماری هر مملکتی تصویری از هویت فرهنگی آن ملت مستتر است یا به عبارت دیگر، همواره و در طول قرن‌ها، معماری یکی از عناصر مهم و تعریف‌کننده تمدن ملت‌ها بوده است. در کنار همه ارزش‌های ملی، معمارانی نیز در این شهر زندگی می‌کنند که اگر کارفرمایان به ایشان مراجعه کنند و به‌طور مثال درخواست کنند رشته‌کوه‌های البرز را تبدیل به پارکینگ‌های طبقاتی کنند، دور از ذهن نیست این طراحی انجام و اجرائی شود. ایران به‌عنوان یکی از کشورهای مهم آسیایی با تاریخ بیش از سه هزار سال معماری مدون در دنیا شناخته شده است و امروز بیش از ۱۷ اثر و بنای هنری ثبت‌شده از طرف سازمان جهانی یونسکو دارد. طیفی از معماران همیشه سعی بر این داشته‌اند با الهام از شرایط گذشته، معماری امروز را ارتقا دهند و به یک موفقیت اگرچه ناچیز دست پیدا کنند و طیف دیگر تحت‌تاثیر غرب، دچار دوگانگی و از جریان اصلی خارج شده‌اند و بدون درنظرگرفتن شرایط بومی، اقلیمی و اجتماعی کار می‌کنند و حتی از حمایت دولت هم برخوردارند. این شرایط بر بسیاری از کشورهای دیگر آسیایی نیز حاکم شده است و آنها نیز دچار این دوگانگی هستند. جایزه معماری آسیا سعی دارد نگاه ویژه‌ای به طیف نخست داشته باشد و جریان معماری معاصر آسیا را با ریشه‌های فرهنگی و اقلیمی پیوند بزند. نزدیک به ۱۲ سال است که مجله معماری و ساختمان منتشر می‌شود و در پی آن در حدود ۱۰ سال پیش مجله (2A) در دوبی راه‌اندازی شد که در ایران و ۱۴ کشور دیگر توزیع می‌شود. در این مدت جایزه‌ها و کنفرانس‌های زیادی برگزار کردیم و هدف ما سوق‌دادن جامعه تخصصی معماری به سوی نیازهای روز اجتماع بوده است. به‌نظر من جریان‌سازی باید یکی از اهداف مهم رسانه‌های تخصصی باشد و مجله (2A) تلاش دارد با برگزاری این مسابقه به سمت این جریان‌سازی حرکت کند.

◣ با توجه به روابط و ضوابطی که بر ساخت‌وسازها وجود دارد، جایزه معماری آسیا چه تأثیری بر جریان غالب می‌گذارد؟

دو، سه دهه است که در کشوری چون کره‌جنوبی اتاق فکری تشکیل شده و جهت معماری آنها تغییر کرده است. معماری آنها به سمتی رفته که هم‌جنس جامعه و تفکرشان است و اگر از دستاوردهای علمی دنیا استفاده کرده‌اند، اما اصالت خودشان را هم ازدست نداده‌اند. این رسانه و این جایزه می‌تواند جهت فکری‌ای ایجاد کند و بر آنچه رخ می‌دهد غالب شود. وقتی ما در یک سطح گسترده این روش را تزریق کنیم، به‌طور یقین نفوذ می‌کند.

◣ سابقا هم معماران ایرانی در جایزه‌های بین‌المللی صاحب امتیاز شده‌اند اما این جایزه‌ها نتوانسته است الگویی برای آینده معماری ما باشد... .

اصلا جنس این جایزه تفاوت می‌کند. خود معماری از ما درخواست می‌کند وقتی پروژه‌ای تولید می‌شود، به شرایط فرهنگی، بومی و اقتصادی جایی که قرار است استقرار پیدا کند، توجه کنیم. یک موقعی پارامترها برای این شرایط درنظر گرفته نمی‌شود و صرفا فرمی زیبا تولید می‌کنند که حتی ممکن است این زیبایی متناسب با فرهنگ ما و کانسپتی که در آن قرار می‌گیرد، نباشد. ما در جایزه معماری آسیا نمی‌خواهیم به خانه بروجردی‌ها و خانه‌های قدیمی برگردیم اما ایده‌ها باید متناسب با فرهنگ ما باشد. هر

> **هر چند بازار ساخت‌وسازهای بی‌رویه به‌کار خود مشغول است و شهرها را با ساختمان‌های بی‌هویت و خنثایی که نه یادی از گذشته دارند و نه نشانی از آینده، اشباع کرده‌اند، اما اندک معمارانی که چشم به آینده دوخته‌اند تلاش دارند با تلنگرهایی هر چند کوچک، از سرعت آن بکاهند. از این منظر، جایزه‌های ملی و بین‌المللی و آسیایی می‌تواند سلیقه متفاوتی ایجاد کرده و مسیرهای تازه‌ای پیش‌رو بگشاید**

جریانی شبیه به اینکه در سطح گسترده‌ای اجرا می‌شود باید پیامی را انعکاس بدهد و این پیام نیز حتما بعد از برگزاری به‌صورت بیانیه به جامعه ارائه می‌شود تا دریچه‌ای به آینده باز کند. دست‌کم پیامش می‌تواند این باشد که اگر از معماری درخواست شد کوه‌های البرز را به پارکینگ طبقاتی تبدیل کند، بداند که این کار با اصول فرهنگی، اقلیمی و نیازهای روز جامعه هماهنگ نیست و نپذیرد.

◣ بر چه مبنایی پروژه‌هایی که از سال ۷۹ به بعد مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، می‌توانند در مسابقه شرکت کنند؟

سال ۷۹ آغاز قرن بیست‌ویکم است که منظر معماری به‌طورکلی در دنیا تغییر کرد و بحث پایداری و محیط‌زیست مطرح شد و طبیعتا داوری ما نیز براساس این منظر است. از این‌رو پروژه‌هایی را می‌پذیریم که از سال ۷۹ به بهره‌برداری رسیده باشند. یعنی سال ۲۰۰۱ که آغاز قرن بیست‌ویکم است.

◣ مرمت و نوسازی نیز یکی دیگر از بخش‌های جایزه است. این بخش در راستای نگاه به سنت معماری قرار داده شده است؟

خیلی از پروژه‌های با اهمیت نه‌فقط در ایران بلکه در سایر کشورهای آسیایی در این بخش قرار دارد و از این نظر بخش مهمی است.

◣ در بخش پروژه‌های آینده طرح‌های دانشجویی حذف شده. چه طرح‌هایی مدنظر شما بوده است؟

پروژه‌های زیادی از طریق دفاتر و شرکت‌های مهندسی مشاور معمار با یک دیدگاه مطالعاتی کار شده و منجر به اتفاقی شده که می‌تواند جوابگوی نیازهای جامعه و راه‌حلی برای آینده باشد، اما متأسفانه به دلایل زیادی این پروژه‌ها در حد طرح باقی مانده و اجرائی نشده‌اند. این پروژه‌ها می‌توانند در این بخش شرکت کنند. به‌طور قطع چنین پروژه‌هایی نمی‌تواند در کنار پروژه‌های دانشجویی قضاوت شود. هر چند ممکن است بعضا طرح‌های دانشجویی خوبی هم کار شود. دانشجو ارزش‌های ویژه خودش را دارد و همین حالا دستاوردهای مهمی دارند که گاه ممکن است یک معمار با سابقه بالا نداشته باشد. ما هم نمی‌خواهیم بگوییم یک دانشجو توان یک معمار را ندارد. در کنفرانس یک روزه جایزه هم برای دانشجویان تخفیف قابل‌ملاحظه‌ای در نظر گرفته شده تا بتوانند در برنامه شرکت کنند اما این بخش صرفا استراتژی مسابقه است.

◣ برای اجرای طرح‌هایی که در مسابقه برنده می‌شوند حمایتی وجود دارد؟

جایزه اعتبار آنهاست. امیدوارم اعتبار جایزه گشایشی برایشان باشد وگرنه هیچ‌کدام از حامیان جایزه قدرت اجرائی ندارند.

◣ ویژگی متمایز جایزه معماری آسیا نسبت به سایر جوایز چیست؟

سال‌هاست که ما به‌دلیل تحریم‌های سیاسی و دلایل دیگر، از روابط بین‌الملل محروم بوده‌ایم. در کشور ما استعدادهای زیادی وجود دارد که به سختی توانستند در صحنه‌های بین‌المللی حضور داشته باشند. این جایزه می‌تواند فرصت مناسبی باشد تا ایران نیز در کنار سایر کشورهای آسیا در سطح بین‌الملل زمینه‌های فکری خود را نشان بدهد. ما الان تعداد زیادی پروژه از کشورهای چین، ژاپن، سنگاپور، ترکیه و ایران دریافت کرده‌ایم و تازه در ابتدای دریافت پروژه‌ها هستیم. بسیاری از کشورهای آسیایی در این جایزه حضور دارند و این فرصت خوبی است برای معماران ایران، تا نوآوری‌ها و خلاقیت‌های هنری خود را در این عرصه در کنار معماران سرشناس دیگر کشورها نمایش دهند. قطعا فناوری و استفاده از تکنولوژی یکی از پارامترهای مهم است اما در کنار آن می‌خواهیم اصول بومی، اقلیمی و تفکر خودمان نیز در نظر گرفته شود.

◣ در مورد سابقه علمی و کاری داوران بفرمایید... .

سعی کردیم از داورانی استفاده کنیم که از کشورهای آسیایی باشند. از هر کشور یک نفر انتخاب شد. رومی خسلا سال‌ها داور جایزه آقا خان بوده است. سونگ‌اچ‌سانگ از اعضای اتاق فکر کره‌جنوبی است. یاووز سلیم سپین، مهم‌ترین و معروف‌ترین معمار خوش‌نام و خوش‌سلیقه ترکیه است. بهرام شیردل نیز معمار سرشناس ایرانی است که سال‌ها مدرس دانشگاه هاروارد بوده و جوایز معتبر بین‌المللی کسب کرده است. سنان مرت‌سن علاوه بر اینکه معمار موفقی است و چون همکار علمی ما در جایزه معماری آسیا بود و رئیس دانشگاهی که برنامه در آنجا برگزار می‌شود، به هیأت داوری دعوت شده‌اند.

◣ در پایان این امکان وجود دارد که در سال‌های بعد جایزه معماری آسیا در ایران برگزار شود؟

جایزه طوری طراحی شده که هر سال در یک کشور برگزار می‌شود. دانشگاه (ITU) قدیمی‌ترین دانشگاهی است که در قاره آسیا راه‌اندازی شده است. این دانشگاه در سال ۱۷۷۳ میلادی در زمان عثمانی ساخته شده و از این نظر گزینه مناسبی بود. اما برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای است که در سال‌های آینده ان‌شاءالله در ایران نیز برگزار شود.

مرز درون و بیرون

آرک دیلی، ترجمه: لاله عنبری: مسجد سنکاک با طراحی مشاوران معمار امره آرولات با فاصله‌گرفتن از بحث‌های جاری معماری پیرامون فرم و تمرکز صرف بر ماهیت فضای مذهبی، مسائل بنیادین طراحی مسجد را موردتوجه قرار می‌دهد. دیوارهای بلندی که پارک بویوک‌چکمک، محله‌ای خارج از شهر و در حاشیه استانبول را پیرامون حیاط بالایی محصور کرده‌اند، مرزی مشخص میان دنیای آشفته بیرون و فضای آرام پارک عمومی ترسیم می‌کنند. سایت پروژه در چمن‌زاری واقع شده است که به وسیله بزرگراهی شلوغ از جامعه محصور حاشیه‌ای دربرگیرنده آن، جدا می‌شود. سایبان درازی که از پارک گسترده می‌شود، تنها عنصری است که از بیرون قابل دیدن است. ساختمان، پایین این سایبان واقع شده است و به‌وسیله یک مسیر از طریق حیاط بالایی، از میان پارک قابل دسترسی است. ساختمان کاملا با توپوگرافی درمی‌آمیزد و همچنان‌که شخص برای واردشدن به مسجد از میان منظر پایین تپه و میان دیوارها حرکت می‌کند، دنیای خارج را پشت‌سر می‌نهد. فضای غارمانند ساده داخل عمارت، تبدیل به فضای الهام‌بخشی چشمگیر و مهیب برای عبادت و تنهابودن با خدا می‌شود. شکاف‌ها و شکستگی‌ها فضای عبادت را در راستای دیوار قبله جهت‌دار می‌کند و اجازه می‌دهد که نور خورشید به درون سرسرا بتابد. این پروژه دائما در کشاکش میان طبیعی و انسان‌ساز در نوسان است. تضاد میان پله‌های طبیعی سنگی در امتداد شیب طبیعی زمین و صفحه نازک بتن مصلح با دهانه بیش از شش متر که سایبان را شکل داده است، این ارتباط دوگانه را تسهیل می‌کند. طراحی بنا به‌گونه‌ای است که مذهب را با طبیعت پیوند می‌زند و آرامش مذهبی را در حضور طبیعت جست‌وجو می‌کند، ازاین‌رو، دست‌ساخته انسان را در خدمت فضای شاعرانه طبیعت قرار می‌دهد و قصد تسلط بر آن را ندارد. نمونه چنین معماری‌ای را می‌توان در آثار تادائو آندو، معمار ژاپنی، جست. کلیسای نور و کلیسای آب این معمار ژاپنی، دارای همین خصلت آمیختن طبیعت با احساسات مذهبی است. به‌نظر می‌رسد معماری این بنا سعی دارد تخیلات شاعرانه را وارد طرحی مذهبی کند، نه به‌منظور ساخت معماری شاعرانه، بلکه برای ساختن نوع خاصی از معماری که می‌تواند احساسات مذهبی را تجلی دهد.





مسابقات معماری

فرصت‌های بربادرفته

پویان روحی. پژوهشگر معماری

مسابقات معماری زخم‌های دردناکی هستند بر بدن جامعه معماری ایران؛ زخم‌هایی که عوامل زیادی در ایجاد آنها نقش داشته‌اند و همچنان دارند؛ نبود معیارهای به‌روز داوری، نبود یک سیستم ارزش‌گذاری معاصر، ضعف گفتمان اخلاق حرفه‌ای، نبود سازوکارهای قانونی و حقوقی نیرومند، ضعف نهادهای صنفی ـ تشکیلاتی حرفه و... . یکی از قدیمی‌ترین این زخم‌ها (پس از انقلاب) شاید مسابقه سینما آزادی است؛ موقعیتی که در آن این فرصت وجود داشت تا پروژه‌های خوبی همچون پروژه پیشنهادی فرشید موسوی اجرا شوند و شاید مشابه «تاثیر بیلبائو»، «تاثیر سینما آزادی» را در تهران و ایران ایجاد کنند. فرصتی که می‌توانست جدا از اجرای یک پروژه در سطح بین‌المللی در تهران، تأثیر مثبت بر بافت شهر، افزایش سطح سلیقه عموم و تبعات مثبت دیگر، آغازی باشد بر بازشدن دروازه‌های ایران روی معماری معاصر و کمک به جهانی‌شدن آن از سوی دیگر. نتیجه‌اش آن چیزی شد که امروز می‌بینیم: «ساختمانی» زشت و میان‌مایه که هربار از کنارش می‌گذریم، این میان‌مایگی، اقتدار قدرت و پیروزی دردناک ابتذال را به رخمان می‌کشد. مسابقه کتابخانه ملی ایران، زخم دیگری بود که بر این پیکر وارد شد. دلایلی شبیه به دلایل مؤثر در داوری سینما آزادی، موجب شدند تا درنهایت، پروژه‌ای همچون پروژه شرکت نقش جهان-پارس (که تحت‌تأثیر ورود بهرام شیردل به ایران و شکل ساده‌شده‌ای از ایده شیء برشیء و پروژه‌های عروسک روسی بود) کنار زده شود و فاجعه‌ای که امروز بر تپه‌های عباس‌آباد می‌بینیم، اجرا شود. مسابقه فرهنگستان؛ زخمی دیگر: برنده در سایه نبود گفتمان اخلاقی، کنار زده شد و با نفر پنجم، قرارداد بسته شد. اکسپو میلان؛ زخمی دیگر که در موردش بسیار نوشته‌اند. من در ارتباط با آن، تنها به نبود سازوکارهای حقوقی اشاره می‌کنم. اتفاقی مشابه این، اگر جای دیگری می‌افتاد، اگر شخصی حقیقی مشاوران را نادیده می‌گرفت و با کمک یک مشاور دیگر، با کارفرما قرارداد می‌بست و کار را اجرا می‌کرد، به دادگاه می‌رفت و به زندان می‌افتاد. نبود سازوکارهای قانونی و ضعف تشکیلاتی جامعه معماری در دفاع از حقوق خود، به چنین فاجعه‌ای انجامید.

چه باید کرد؟

آموزش و بازبینی در اخلاق حرفه‌ای: دانشجویان معماری در آمریکا در دوره کارشناسی درس‌هایی با عنوان «کنش حرفه‌ای» را می‌گذرانند و در آنها به طور ویژه با اخلاق حرفه‌ای آشنا می‌شوند. جای این آموزش و نیاز به بازبینی و بازتعریف اخلاق حرفه‌ای، در محیط‌های آموزشی ایران به‌شدت خالی است.تشکل‌های صنفی و قانونمندکردن مسابقات: تشکیل «دبیرخانه دائمی مسابقات معماری و شهرسازی» در این راستا اقدام مثبتی است. سویه دیگر این ماجرا، قوانین حقوقی و جزایی است که سازمان‌های مسئول و تعریف‌کننده جرم را دربر می‌گیرد. برای مثال اتفاقات روی‌داده در مسابقه اکسپو را می‌توان با کمک آنها، به دایره جرائم حقوقی وارد کرد. بازتعریف معیارهای نقد و به‌روزرسانی آنها: هیچ‌یک از کتاب‌های انتقادی معماری به فارسی برگردانده نشده‌اند، نه تاریخ انتقادی و نه تئوری انتقادی. دانش تئوری ما از کجا می‌آید؟ معیارهای نقد ما از کجا می‌آیند؟ در سایه عقب‌ماندگی آموزش معماری در ایران و عدم‌پیوند با گفتمان معاصر و نبود ادبیات تئوری و نقد، داوری‌ها این‌چنین می‌شوند که شده‌اند. ظاهرا ما هنوز با معیارهای آثار پیرنیا به نقد می‌پردازیم، این‌گونه است که هربار از اتوبان حقانی، خیابان عباس‌آباد و ...عبور می‌کنیم، رویمان را برمی‌گردانیم. مسابقات برای ما، خاطراتی تلخند؛ یادآور فرصت‌های بربادرفته.

ستون سوم

میراث ازیادرفته



علی اعطا

موضوعی که در روزهای اخیر، باعث نگرانی بسیاری از فعالان حوزه میراث‌فرهنگی شده، تخریب تعدادی از خانه‌های تاریخی در بافت تاریخی شیراز است. این موضوع، اعتراض بسیاری از کارشناسان این حوزه را برانگیخته و این علامت سؤال را در اذهان ایجاد کرده که چرا با وجود تأکیدهای فراوان بر حفظ آثار فرهنگی و تاریخی در دیدگاه‌ها و بیانات مقامات عالی نظام از یک‌سو و مخالفت‌های سازمان میراث‌فرهنگی از سوی دیگر، چنین اتفاقاتی در این حوزه به وقوع می‌پیوندد.

موضوع شیراز، یکی از ده‌ها نمونه‌ای از این دست است که در رسانه‌ها درباره‌اش خوانده‌ایم و خواهیم خواند. البته باید توجه داشت مسائل و مشکلات بناها و بافت‌های تاریخی، در بسیاری موارد خاستگاه‌های متفاوت و متنوعی دارد و یک‌کاسه‌کردن آنها در یک موضع‌گیری خاص، اساسا خطاست.

در ماه‌های اخیر حرف‌ها و سخن‌های فراوان از زبان کارشناسان حوزه میراث‌فرهنگی، مدیران و مسئولان مرتبط با موضوع و همچنین تشکل‌های غیردولتی حامی میراث، گفته و شنیده شده است. من هم قصد ندارم اینجا حرف‌ها و سخن‌هایی را که گفته‌اند و نوشته‌اند، تکرار کنم، اما در بخش عمده‌ای از این‌گونه اتفاقات، مسئله مشترکی می‌بینم که درحقیقت، بهانه نوشتن این یادداشت است.

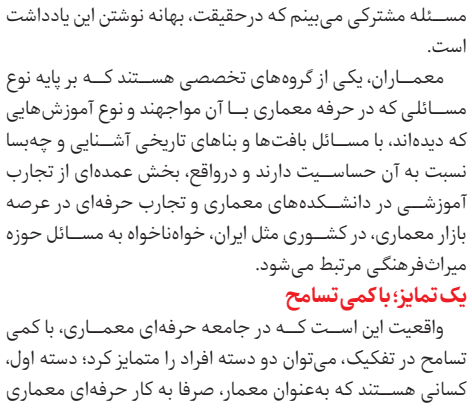
معماران، یکی از گروه‌های تخصصی هستند که بر پایه نوع مسائلی که در حرفه معماری با آن مواجهند و نوع آموزش‌هایی که دیده‌اند، با مسائل بافت‌ها و بناهای تاریخی آشنایی و چه‌بسا نسبت به آن حساسیت دارند و درواقع، بخش عمده‌ای از تجارب آموزشی در دانشکده‌های معماری و تجارب حرفه‌ای در عرصه بازار معماری، در کشوری مثل ایران، خواه‌ناخواه به مسائل حوزه میراث‌فرهنگی مرتبط می‌شود.

یک تمایز؛ با کمی تسامح

واقعیت این است که در جامعه حرفه‌ای معماری، با کمی تسامح در تفکیک، می‌توان دو دسته افراد را متمایز کرد؛ دسته اول، کسانی هستند که به‌عنوان معمار، صرفا به کار حرفه‌ای معماری می‌پردازند و به‌عنوان یک متخصص محض، به امر تخصصی در بازار کار معماری مشغولند. دسته دوم که بخش بسیار کوچک‌تری از جامعه معماری را شکل می‌دهند، آن‌دسته از افراد هستند که علاوه بر کار حرفه‌ای معماری، به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در حوزه معماری نیز می‌پردازند. دسته دوم، البته با وجود اینکه در اقلیت است، به‌واسطه حضور اجتماعی و رسانه‌ای، معمولا صدایش طنین رساتری دارد.

به‌واسطه حضور و فعالیت‌های افراد گروه دوم است که تشکل‌ها و مؤسسات غیردولتی در حوزه معماری زنده و فعالند، یا سمینارها و جلساتی با رویکرد آگاهی‌بخشی برگزار می‌شود و اقداماتی از این دست که به عرصه عمومی تعلق دارد، شکل می‌گیرد.

تشکل‌های معماری و یک پرسش



نکته‌ای که دراین‌میان موجب شگفتی است، بی‌توجهی بخش عمده‌ای از معماران فعال در عرصه عمومی نسبت به مسائل حوزه میراث‌فرهنگی است. گاهی اصلا به‌نظر می‌رسد در میان دغدغه‌های ریزودرشت فرهنگی، اساسا مسئله میراث فراموش شده است. در ماجرای شیراز و تخریب بخش‌هایی از بافت تاریخی آن، از زاویه‌ای که مدنظر من است، مسئله این نیست که آیا خانه‌های تاریخی شیراز باید خراب می‌شد یا نباید خراب می‌شد؛ یا اینکه چه کسی تا چه میزان درست می‌گوید. پرسش اصلی اینجاست که چرا اکثریت قریب‌به‌اتفاق فعالان فرهنگی اجتماعی در حرفه معماری، دراین‌باره سؤالی مطرح نمی‌کنند. چرا گفت‌وگوهای عمومی در این حوزه شکل نمی‌دهند. در سال‌های اخیر، بالاخره تشکل‌های غیردولتی جدی‌تری در میان معماران شکل گرفته و مقبولیت عام پیدا کرده‌اند؛ تشکل‌هایی که به بهانه‌های مختلف فعالیت می‌کنند و در مواردی، حضور موثری هم دارند.

البته حرف من به فعالان حوزه میراث برنمی‌گردد. منظور من تشکل‌های حرفه‌ای و غیردولتی معماری و آن دست از معماران حرفه‌ای هستند که فعالیت‌ها و عملکردشان نشان می‌دهد نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی توجه نشان می‌دهند، اهل گفت‌وگوهای عمومی هستند، به فعالیت‌های رسانه‌ای اهمیت می‌دهند؛ اما متأسفانه در این موارد خاص، کمتر دیده‌ایم نسبت به مسائلی از این قبیل، پیگیری و توجهی نشان داده شود.

در مواردی نظیر مسئله بافت تاریخی شیراز، طرح دیدگاه‌های کارشناسی که معمولا فارغ از تعلقات گروهی انجام می‌شود، می‌تواند به روشن و شفاف‌شدن موضوع، طرح بهتر مسئله، مشخص‌شدن ابعاد آن و در نتیجه، شکل‌گیری گفت‌وگوهای جدی در عرصه عمومی منجر شود. بالاخره در میان تخصص‌های مختلفی که در زمینه مسائل مربوط به شهرهای تاریخی صاحب‌نظر و ذی‌مدخلند، تخصص معماران را نمی‌توان نادیده گرفت.

گمان می‌کنم معماران ما، به همان میزان که نسبت به مسائلی مانند مسابقات معماری، چگونگی حضور ایران در اکسپو میلان و بی‌ینال ونیز و نظیر آن حساسیت نشان می‌دهند، لازم است به موضوعاتی نظیر مسئله بافت تاریخی شیراز نیز حساسیت نشان دهند، موضوعات را با دقت بیشتری دنبال کنند و از موضع کارشناسی، در جهت حل مسائل این شهر تاریخی که بخش عمده آن ناشی از اشکالات و ایرادات فنی و تخصصی است، اظهارنظر کنند.